

بررسی بازتاب های سیاسی-اجتماعی انتقال آب کارون به فلات مرکزی (مطالعه موردی شهرستان اهواز)

محمدرضا حافظ نیا^۱، پیروز مجتهدزاده^۲، داریوش بهمنی^۳

۱- رئیس انجمن ژئوپلیتیک ایران و استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

۲- مدیر عامل بنیاد پژوهشی یوروسویک لندن و استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

۳- کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی و کارشناس توسعه سد و نیروگاه سازمان آب و برق خوزستان

چکیده

رود کارون در امنیت، توسعه و تمدن بخش وسیعی از جنوب غربی کشور ایران تاثیر گذار می باشد این رودخانه به این علت که به نواحی مرکز کشور اتصال دارد سبب می شود تا مراکز جمعیتی حاشیه کارون به ویژه شهر اهواز از ایران جدا نباشد و این عدم جدایی از مرکز، هم امنیت منطقه ای و هم ملی را تقویت، در نتیجه انسجام اجتماعی و همگرایی سیاسی را نیز موجب شود. هرچند انتقال آب از سرشاخه های کارون از سوی سیاست گذاران آبی کشور، نقطه امید مردم ساکن فلات مرکزی و بهترین راه تأمین آب آنها تعریف و عنوان گردیده، اما در عین حال، عوارضی را در مسیر انتقال و حوضه مبدا به خصوص در پایین دست حوضه (بخش عمده خوزستان) به عنوان ناحیه مصرف بوجود می آورد. هم اکنون یکی از دغدغه های اصلی مردم خوزستان به ویژه اهواز، برنامه های آشکار و پنهان انتقال آب کارون بوده و آن را خلاف اجرای عدالت می پندارند. این پژوهش با روش آماری و توصیفی، پیامدهای سیاسی-اجتماعی انتقال آب از حوضه آبریز کارون از زاویه نگاه جامعه شهری و روستایی شهرستان اهواز و نیز رابطه این تاثیرات با کنش های سیاسی-اجتماعی را بررسی می کند.

واژه های کلیدی: انتقال بین حوضه ای آب از سرشاخه های کارون، هیدروپلیتیک، پیامدهای سیاسی-اجتماعی، واگرایی، همگرایی

مقدمه

هیدروپلیتیک مرکب از دو واژه آب و سیاست است و نیز تاثیر منابع آب بر سیاست و تصمیم گیری های سیاسی در سطوح محلی، ملی، منطقه ای و جهانی که می تواند موجب واگرایی یا همگرایی سیاسی-اجتماعی در این سطوح شود را مورد مطالعه قرار می دهد. در این میان، هیدروپلیتیک در سطح ملی و محلی، به بررسی پیامدهای سیاسی-اجتماعی ناشی از تصمیم گیری یا اجرای طرح های منابع آب مانند انتقال بین حوضه ای آب یا احداث سدهای بزرگ می پردازد. به عبارت دیگر، بررسی کنش و واکنش های بین دولت و مردم و یا بین دولت ها یا گروه های اجتماعی که ناشی از اجرای طرح های مرتبط با منابع آب می باشد هیدروپلیتیک نامیده می شود. فرآیند انتقال بین حوضه ای، علیرغم رفع برخی کمبودهای حوضه مقصد به پشتوانه انتقال فیزیکی آب، می تواند منشأ تغییرات زیادی در حوضه های مبدا و مقصد باشد که لازم است از جنبه های مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد. از آنجا که طرح های انتقال آب بین حوضه ای مستقیماً مدیریت حوضه مبدا و مقصد را متاثر می کند، می تواند بهبود و یا تنزل شرایط اجتماعی-اقتصادی و زیست محیطی در هر یک از دو حوضه را به دنبال داشته باشد. به منظور کاهش چالش های این طرح ها، شناسایی جنبه ها و ابعاد مختلف طرح و تصمیم گیری بر اساس اطلاعات همه جانبه اجتناب ناپذیر است. فلسفه طرح های انتقال آب بین حوضه ای، تنها انتقال آب مازادحوضه مبدا، با رعایت حقابه های فعلی و آینده و محیط زیست حوضه مبدا می باشد. همچنین سیستم های آبی حوضه مبدا تحت تاثیر قرار نگرفته، مصرف کنندگان این حوضه با بهره

¹ mhafeznia2006@yahoo.com

²

³ dariush_bahmaei@yahoo.com